گزارش

وزیر خارجه قطر بعد از تماس با همتای آمریکایی، با وزیر خارجه ایران گفت‌وگو کرد:

فرصت بازی برای بازیگران منطقه‌ای

● وقتی مسائل مرتبط با ایران اوج می‌گیرد به‌ویژه زمانی‌که موضوعی بین ایران و آمریکا به میان کشیده می‌شود، شرایط برای ایفای نقش برخی بازیگران منطقه‌ای مهیا می‌شود. مانند نقشی که سال‌ها عمان مابین رابطه ایران و آمریکا ایفا کرد. در چند سال گذشته با فوت سلطان قابوس، پادشاه عمان و نقشی که ایران در جریان تحریم قطر از سوی عربستان ایفا کرد، نقش دوحه در این‌گونه معادلات پررنگ‌تر شده؛ نظیر تماس‌هایی که اخیرا قطر با ایران و آمریکا داشته است. حلقه اصلی و رابط همه این مسائل هم، نبود رابطه مستقیم بین ایران و آمریکاست حتی در شرایطی که برای احیای برجام در حال مذاکره هستند.

در حالی‌که هشت دور مذاکره در وین بین ایران و اعضای ۴+۱ انجام شده است به بهانه خروج آمریکا از برجام و عدم عضویت این کشور در برجام مذاکره مستقیمی بین ایران و آمریکا انجام نمی‌شود. تاکنون مذاکره به صورت مکتوب انجام شده و اخیرا وزیر امور خارجه گفته که در شرایطی ایران می‌پذیرد با آمریکا مذاکره مستقیم کند.

سه‌شنبه شب، وزیر خارجه ایران با همتای قطری خود گفت‌وگوی تلفنی داشته است. از آنچه طبق خبر رسمی از این گفت‌وگو منتشر شده، کمترین محتوایی از تماس مشخص نمی‌شود.

وزرای خارجه دو کشور «در این گفت‌وگوی تلفنی علاوه بر تبادل‌نظر درباره مسائل منطقه‌ای و تأکید بر لزوم تقویت دیپلماسی و گفت‌وگو در حل‌وفصل مسائل، درخصوص برخی موضوعات مهم مورد علاقه گفت‌وگو کردند. در همین چارچوب مسائل و تحولات جاری در منطقه و تداوم رایزنی و مشورت بین دو کشور در مسیر حفظ و تأمین صلح و ثبات در عرصه منطقه‌ای و جهانی از مسائل مورد توجه و مشورت وزرای امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و قطر در این گفت‌وگوی تلفنی بود».

اما وزیر خارجه قطر پیش از تماس تلفنی با همتای ایرانی خود، با همتای آمریکایی‌اش تماس تلفنی داشته است. به نظر می‌رسد با توجه به این دو تماس که پشت هم قرار گرفتند، تا حدود زیادی مشخص می‌شود که تماس محمدبن عبدالرحمن آل‌ثانی با حسین امیرعبداللهیان چه محور مهمی داشته است. در نبود ارتباط مستقیم بین ایران و آمریکا به نظر می‌رسد همسایگان بانفوذ عرب در حال ایفای نقش میانجی یا پیام‌رسان هستند. پیام‌ها اما مشخص نیست چه سطحی دارد؛ می‌تواند از تأکید بر مذاکره مستقیم تا اعلام ضرب‌الاجل را در بربگیرد. خبرگزاری قطر اعلام کرده که «وزیر خارجه قطر در تماس تلفنی با وزیر خارجه آمریکا، درباره مهم‌ترین تحولات در پرونده افغانستان از نظر امنیتی و سیاسی و مذاکرات هسته‌ای که در وین، پایتخت اتریش در حال برگزاری است، همچنین آخرین رخدادهای منطقه‌ای و بین‌المللی بحث و تبادل نظر شد».

سفیر ایران در قطر نیز با اشاره به این گفت‌وگوهای تلفنی در توییتی نوشت: «روابط که نزدیک باشد، تحولات که سریع باشد، موضوع که مهم باشد، در یک شب دو تماس تلفنی برقرار می‌شود». قرار است ۳۱ ژانویه امیر قطر برای ملاقات با بایدن به واشنگتن برود.

روز سه‌شنبه نماینده روسیه در وین نیز اعلام کرد که با همتای کویتی خود درباره آخرین وضعیت مذاکرات برجامی رایزنی کرده است.

پس از حرف‌های امیرعبداللهیان شکل گرفت

موج ضد مذاکره مستقیم در جریان «انقلابی»

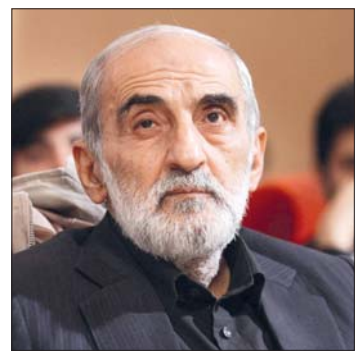

روح‌اله نخعی: هم پیش‌بینی‌پذیر و هم غافلگیرکننده. بعد از اظهارات وزیر خارجه ایران درباره درنظرگرفتن گزینه مذاکره مستقیم با ایالات متحده، بخشی از رسانه‌های محافظه‌کار ایران واکنش منفی تندی به این ایده نشان دادند و البته تا حدی آن را واکنش به برداشت رسانه‌ها از حرف حسین امیرعبداللهیان توصیف کردند. تلاش برای حدس دلیل این انتقادات چند سناریو را به ذهن می‌رساند. مخالفت‌ها با ایده مذاکره مستقیم البته قابل پیش‌بینی بود؛ چراکه این مخالفت‌ها در این جریان موضع جدیدی نیست و البته دولت متعلق به این جریان نیز کم‌وبیش در همین موضع بوده است؛ اما از نگاهی دیگر می‌توان آن را غافلگیرکننده نیز توصیف کرد؛ چراکه به هر حال امیرعبداللهیان و دولت متبوعش به همین جریان و البته به نهادهای تصمیم‌ساز در این زمینه نزدیک بوده‌اند و این تصور بیراه نبود که حرف امیرعبداللهیان نتیجه تصمیم مشترکی در همین زمینه است؛ به‌خصوص که او خود در همان سخنرانی اشاره کرد که صبح همان روز، در جلسه‌ای ظاهرا از پیش برنامه‌ریزی‌نشده در این زمینه حضور داشته است. از طرف دیگر، صحبت‌های رهبری در روز ۱۹ دی ماه نیز ازجمله نشانه‌هایی بود که حرف‌های امیرعبداللهیان درباره مذاکره مستقیم را برای ناظران و رسانه‌ها معنادارتر کرد: «تسلیم‌نشدن در برابر دشمن مستکبر و زورگو جزء اصول انقلاب است و اینکه در مقطعی با دشمن مذاکره، صحبت و تعامل شود به معنای تسلیم‌شدن در مقابل آن نیست، همچنان که تاکنون تسلیم نشده و از این پس نیز نخواهیم شد»؛ اما با همه این حرف‌ها، روزنامه کیهان و نورنیوز که به شورای عالی امنیت ملی نزدیک است، جدی‌ترین و شاید تندترین مخالفت‌ها را با این بحث نشان دادند. نکته جالب دراین‌میان این است که کیهان در انتقاد خود، علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی را نیز نواخته بود؛ درحالی‌که شمخانی از طرفی، خود پس از صحبت‌های امیرعبداللهیان درصدد تلطیف روایت برآمد و از طرفی حالا نورنیوز (وابسته به معاونتی در دبیرخانه شورای امنیت ملی) هم در صف مخالفان ایستاده است.

حرف نسنجیده وزیر یا تعبیر نادرست رسانه؟

کیهان با نسنجیده‌خواندن اظهارات امیرعبداللهیان و شمخانی و با ادبیات همیشگی خود در مقابل نظرات متفاوت، صحبت‌ها در این زمینه را «در پی آب به سوی سراب رفتن» خواند، خواستار تصحیح این اظهارات شد و مذاکره با آمریکا را غیرضروری خواند؛ اما نورنیوز از در دیگری وارد شد و مدعی شد این رسانه‌ها بوده‌اند که تعبیرهای نادرستی از صحبت‌های وزیر خارجه داشته‌اند. نورنیوز که البته در توضیح حرف‌های شمخانی تأکید کرده بود او «بدون اشاره به موضوع مذاکره مستقیم با آمریکا، صرفا بر امکان «تغییر روش ارتباط با هیئت آمریکایی حاضر در وین در صورت در دسترس بودن توافق خوب تأکید» کرده است، نوشت: «برخی رسانه‌ها و اصحاب قلم در داخل و خارج از کشور با کم‌توجهی یا تعمد تلاش کردند اظهارات وزیر امور خارجه را ابراز علاقه ایران برای مذاکره با آمریکا تعبیر کنند؛ اما توجه دقیق به صحبت‌های امیرعبداللهیان و همچنین متن توییت شمخانی که با شفافیت بیشتری به موضوع پرداخته، نشان می‌دهد که موضع جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات وین چنانچه از ابتدا بیان شده بود، صرفا تلاش برای دستیابی به توافق خوب است و مذاکره زیر فشار، مذاکره برای مذاکره یا وقت‌کشی و بهانه‌جویی برای فرار از پذیرش تعهدات از سوی طرف غربی را برنمی‌تابد». نورنیوز البته هم‌زمان اشاره دیگری هم داشت که شاید در را همچنان باز نگه می‌دارد: «ایران پیش‌ازاین در جریان مذاکرات منتهی به توافق برجام نیز در قالب ۱+۵ یا مستقلا با آمریکا مذاکره داشته و نشان داده در زمانی که منافع کشور ایجاب کند، از مذاکره با دشمن نیز ابایی ندارد؛ اما این شرایط در صورتی محقق می‌شود که مجموعه شرایط برای دستیابی به توافق خوب فراهم شده باشد و مذاکره، الزامی برای نهایی‌سازی توافق مدنظر ایران قلمداد شود». فاصله بین همین دو موضع‌گیری نیز از نشانه‌هایی است که به کار حدس علت و انگیزه این حملات می‌آید.

امیرعبداللهیان بی‌اجازه حرف زده است؟

اینکه چنین رسانه‌هایی از نقد مواضع وزیر خارجه دولت «انقلابی» خودداری نکرده‌اند، ممکن است به این دلیل باشد که امیرعبداللهیان، خارج از محدوده سخن گفته است. در واقع این واکنش می‌تواند یادآور این نکته باشد که وزیر خارجه در این زمینه تصمیم‌گیر نیست و از دید منتقدان، به‌خصوص به تصریح کیهان، حق نداشته است پا از حد فراتر بگذارد و از خط قرمز جریان انقلابی عبور کند. این گزینه البته نشانه‌ای هم در تلاش امیرعبداللهیان دارد که ساعاتی بعد از صحبت‌های اولیه این توضیح را اضافه کرد: «آمریکایی‌ها مکررا برای مذاکره درخواست دارند؛ اما هنوز به این مسئله در جمع‌بندی‌های خودمان نرسیده‌ایم». چنین پاورقی‌ای می‌تواند حاصل تذکراتی باشد که پس از اظهارات اولیه به وزارت خارجه رسیده است.

اختلاف میدان‌های حرف و عمل

از یک زاویه می‌توان این گمانه‌زنی را کرد که دولت اصولگرا، در صحنه اجرائی به ملزوماتی رسیده است که با صحبت‌ها و مواضع این جریان همخوانی ندارد. به عبارت دیگر، جریان اصولگرا در تمام دوران مخالفت با برجام و حمله به رویکردهای دولت حسن روحانی و وزارت خارجه محمدجواد ظریف، خارج از گود مشغول انتقاد بود؛ اما حالا کسانی از این جریان پای میز نشسته‌اند و اگرچه از همان نقطه عزیمت کرده‌اند، حالا در میدان عمل، به این نتیجه رسیده‌اند که برای پیشبرد اهداف نیاز است گزینه‌ها و رویکردهای دیگری را در نظر بگیرند. در چنین حالتی، عجیب نیست پایگاه رسانه‌ای و اجتماعی جریان اصولگرا به‌راحتی با این تغییر کنار نیاید. در واقع، بسیاری از ناظران یکی از دلایل برخی رویکردهای امیرعبداللهیان و علی باقری‌کنی، معاون سیاسی و مذاکره‌کننده ارشد ایران در وین را این می‌دیدند که بعد از مدت‌ها مواضع آن‌چنانی، حالا به این سادگی نمی‌توانند فرمان را بچرخانند و به همان مسیری نزدیک شوند که پیش‌تر به آن حمله می‌کرده‌اند. نوشته‌های کیهان و نورنیوز می‌تواند اولین نشانه به وقوع پیوستن پیش‌بینی این گروه از ناظران باشد: وقتی دولت سیدابراهیم رئیسی در مقام عمل خود را ناچار به تغییر رویه ببیند، اولین و بزرگ‌ترین مانعش، جریان سیاسی متبوعش خواهند بود که چرخش را برنمی‌تابند.

گام اول آماده‌سازی؟

یک سناریوی دیگر که از نظرگاه دولتی‌ها خوش‌بینانه‌تر به نظر می‌رسد این است که این بگومگو، بخشی از فرایندی است که باید برای این چرخش طی شود. به عبارتی، بعید نیست جریان اصولگرا به این نتیجه رسیده باشد که هم برای مخاطب داخلی و هم برای مخاطب خارجی لازم است شاهد چنین دعوایی در اردوگاه اصولگرایی باشد تا وقتی در نهایت کار به تصمیم دیگری رسید، مشخص باشد که جریان انقلابی «به‌راحتی» به این تصمیم نرسیده است. با همان توضیحات بند پیش به نظر بدیهی می‌رسید که اگر ناگهان دولت به مسیر دیگری پای می‌گذاشت و بقیه بخش‌های جریان شاید مثل دیگر مسائل، مستقیم به مرحله حمایت می‌رسیدند، تصویری نامطلوب از پایبندی جریان اصولگرا به اصولش مخابره می‌شد که هم در صحنه داخلی هزینه‌آفرین می‌شد و هم شاید پیامی مضر به صحنه بین‌المللی ارسال می‌کرد؛ اما حالا اگر روزی قرار شد باقری روبه‌روی رابرت مالی، نماینده آمریکا، در مذاکرات بنشیند، پس‌زمینه این حضور، جدال‌ها و چالش‌های متعددی خواهد بود که دولت می‌تواند به آنها اشاره کند تا مشخص کند که این تصمیم، تصمیم آسانی نبوده است.

تنظیم موضع ضعف

اما علت این چالش هرچه باشد، به زیان کار دیپلمات‌های دولت رئیسی خواهد بود. تصویر اختلاف و درگیری در جریان حاکم، اگر در نهایت کار به مذاکره مستقیم برسد، برای بسیاری به این معنا خواهد بود که دولت با وجود ترجیح خود و با وجود نگاه جریانش، «تن» به این کار داده و به عبارتی مجبور شده است از موضع قبلی خود کنار بکشد. واضح و مبرهن است که تصویر اجبار و ناچاری در صحنه بین‌المللی همواره مخرب است. می‌توان گفت مشکل اصلی دولت اصولگرای رئیسی این نیست که مذاکره کند یا نکند. مشکل اصلی این است که جریان اصولگرا با موضع‌گیری‌های مطلق‌گرایانه پیشین خود، بی‌توجه به آینده‌ای از کسب قدرت احتمالی، چینش گزینه‌های خود را به شکلی منفی تغییر داده است و حالا که بر کرسی نشسته، همه انتخاب‌های خود را منجر به هزینه‌های اضافی می‌بیند، هزینه‌های اضافی که دولت و تیم دیپلماسی‌اش بابت آنها هیچ‌کس جز خود دیروزشان را نمی‌توانند ملامت کنند.

خبر

پرایس: مذاکره مستقیم به ایران بستگی دارد

● **ایسنا:** ند پرایس، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، در پاسخ به اظهارات اخیر وزیر امور خارجه ایران درباره احتمال مذاکره مستقیم گفت: «ما از زمانی که [مذاکرات] در آوریل گذشته شروع شد، حاضر به دیدار با متحدان و شرکایمان و با ایران بوده‌ایم. بنابراین، به ایران بستگی دارد که کاری در زمینه این اظهارات انجام دهد. ما بر این باوریم که تعامل مستقیم با ایران در زمینه برجام یا مسائل دیگر پربارتر خواهد بود. همچنین ارتباطی کارآمد را میسر می‌کند و این چیزی است که به آن احتیاج داریم؛ به‌ویژه در این برهه که زمان برای تلاش در راستای نجات برجام یا بازگشت دوجانبه به پایبندی، خیلی کم است». سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در پاسخ به سؤالی درباره آزادسازی زندانیان آمریکایی در ایران گفت: «شما از رابرت مالی، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران، شنیده‌اید که ما دو مذاکره غیرمستقیم جداگانه را با ایران پیش می‌بریم تا بتوانیم موجب آزادی آن کسانی بشویم که به‌طور غیرقانونی زندانی شده‌اند. از ما هم شنیده‌اید که گفته‌ایم گره‌زدن سرنوشت این افراد به طرحی که در بهترین حالت نامعلوم است، در راستای منافع ما، منافع آمریکا و منافع کشورهای طرف سومی که شهروندانشان در ایران زندانی‌اند، نخواهد بود. این طرح، بازگشتی دوجانبه به پایبندی به برجام است. این طرح در بهترین حالت، نامعلوم است. ما می‌خواهیم بازگشت آمریکایی‌ها و شهروندان دیگر کشورها یک امر قطعی باشد. هدف ما این است که آنها را به خانه بازگردانیم تا دوباره به خانواده‌هایشان ملحق شوند. بنابراین، نمی‌خواهیم چیزی که ضرورت ندارد، مانع ایجاد کند». او با بیان اینکه در نتیجه سیاست‌های دولت قبلی، برنامه هسته‌ای ایران پیشرفت زیادی داشته است، گفت: «ما که انتخاب‌هایی بسیار دشوار، چالش‌برانگیز و حتی بد برایمان مانده، مسیری را در پیش گرفته‌ایم که باور داریم در راستای منافع ملی ماست و آن بازگشتی دوجانبه به پایبندی به برجام است. این مسیر، مسیری است که طبق ارزیابی ما، تاکنون بهترین راه بازگردانی محدودیت‌های سخت، دائمی و قابل راستی‌آزمایی بر برنامه هسته‌ای ایران بوده است». پرایس با اشاره به اینکه ممکن است روزی برسد که مزایای عدم اشاعه‌ای برجام سال ۲۰۱۵ با وجود پیشرفت‌های برنامه هسته‌ای ایران تقلیل بیابد، اظهار کرد: «بنابراین در حال حاضر به دنبال بازگشتی دوجانبه به پایبندی هستیم، اما تمامی گزینه‌ها را هم بررسی می‌کنیم».

بیژن و منیژه (۸)

ادامه از صفحه اول

بیژن در پاسخ گفت: «امیدوار شدم از این رنج رهایی یابم، اگر با من پیمان کنی و این راز را با کسی نگویی، همه آنچه رخ داده با تو بگویم و اگر زبان به این راز بگشایی، جان مرا به چنگال مرگ سپرده‌ای». منیژه خشمگین و خروشان گفت: «این‌همه رنج از برای تو کشیده‌ام، چه‌گونه راز تو را فاش گویم. همه هستی خویش در گرو تو نهاده‌ام، چه‌گونه ممکن است آنچه تو گویی به راز، با کسی دیگر در میان گذارم. مگر چشم بارانی مرا نمی‌بینی؟ همه آن تاج و گنج را در راه تو بگذاشتم و بگذشتم. پدر بیزار از من گشته و خویشان همه مرا از خود رانده‌اند. اکنون جهانم سیاه و دیدگانم از گریستن سپید گشته و آن‌گاه تو راز از من می‌پوشانی؟» بیژن پوزش‌خواه گفت: «همه آنچه گفته‌ای راست بوده است. من به نادرست سخن گفته‌ام. شایسته است در هر کاری مرا پند دهی که اندیشه‌ام پریشان گشته و گاه چون تهی‌اندیشگان سخن می‌گویم. بایدت که این مرد گوهرفروش را بشناسی، او کسی جز رستم پیلتن نیست که به رهایی من آمده و نه‌تنها مرا از این رنج رهایی خواهد بخشید که تو را نیز از این آشفتگی خواهد رهانید. به نزد او رفته، به او نهانی بگو آیا تو خداوند رخش هستی؟» منیژه شتابان به نزد رستم آمده، به نجوا پیام بیژن بگزارد و چون رستم سخن منیژه را بشنید، دانست بیژن راز آن یلِ به چهره گوهرفروش را فاش گفته. آن‌گاه او را گفت: «ای خوب‌چهر، آری، من خداوند رخش هستم، به بیژن بگو یزدان یاری‌بخش برای رهایی تو مرا روانه گردانیده. از زاولستان به ایران و از ایران برای نجات تو آمده‌ام و بگویش که همین امشب گاه آزادی تو از غل‌وزنجیر فرا خواهد رسید. آنچه از تو می‌خواهم این است که از هم‌اکنون از بیشه، شاخه‌های خشک را گردآورده، شبانگاهان بر سر چاه آتشی بیفروزی خورشیدوار تا بدانم به کدام سوی باید بشتابم». منیژه از گفتار رستم شادمان شد و پس از دیرزمانی گل لبخند بر لبان خشکیده‌اش شکوفان گردید و به‌سوی چاهی دوید که اکنون بیژن امیدوارانه به انتظار مانده بود و او را گفت که پیامش بگزارده و پاسخ شنیده؛ همانی است که بیژن پنداشته و اکنون که رستم خاطرش آسوده از زنده بودن و سلامت بیژن است، زمین را خواهد شکافت و آن سنگ که راه نور را بر او بسته، به‌سوی ستاره پروین پرتاب خواهد کرد و افزود: «او از من خواسته چون تاریکی بر روشنای روز شتاب گیرد و آسمان از چنگ خورشید رهایی یابد، آتشی برافروزم که آن چاه و آن سنگ به‌روشنی بازشناخته شود». بیژن او را گفت آنچه رستم فرمان داده همان کند که چون آتش برپا شود، هر دو ایشان از تاریکی و رنج رهایی خواهند یافت.

آن گاه سر بر آسمان کرده، از روزن سنگ یزدان پاک را گفت: «ز هر بد تو مرا دستگیر هستی و تو آنی که بر دل و جان بدخواه من تیر افکنی، مرا یاری بخش تا از آن بیدادگر داد بستانم، تو می‌دانی من در این تنگ‌جای چه رنج‌ها کشیده‌ام؛ اگر به زندگی بازگردم و این اختر شوم خاموشی گیرد، جهانی دگرگونه خواهم داشت». و خطاب به منیژه گفت: «برای تو که همه هستی خویش را در راه من باخته‌ای و آن‌چنان بوده‌ای که رنج مرا سود پنداشته، زندگی دوباره‌ای به من بخشیده‌ای و به من مام و پدر را بازگردانده‌ای، به کردار نیک مردمان یزدان‌پرست، آن چنان تو را پرستار گردم و کمر در خدمتت بندم که تا پایان عمر غبار اندوه بر دلت ننشیند». منیژه به گردآوری هیزم سخت بکوشید و آن‌گونه که مرغان لاخه برگیرند تا لانه بسازند، شاخه برگرفت و هیمه گرد آورد، یک چشم به فروکاستن خورشید داشت و یک چشم بر افزودن ساقه‌های خشک تا کی خورشید فرونشیند و تا کی کوه هیمه بلندا گیرد و سرانجام چون خورشید ناپدید شد و شب تیره بر کوه دامن کشید و گیتی آرام گرفت و از دیده‌ها نهان گشت و سیاه شب تاختن گرفت، منیژه آتشی برافروخت و چشم شب قیرگون را بسوخت و به انتظار ایستاد تا آن پهلوانِ چهره دگرگون کرده از راه فراز آید. رستم با مشاهده آتش، زره بر تن کرده، از خورشید و ماه و یزدان پاک یاری جست و آرزو کرد چشم بدان کور باشد و به پهلوانان همراه خویش گفت آنان نیز جامه بازرگانان را زره گردانند و همه بر اسبان‌شان، نیزه به دست تیز بشتابند و چون به چاهی رسیدند که اکوان دیو آن سنگ کوه پیکر را افکنده بود، رستم از پهلوانانش خواست آن سنگ را برگیرند تا او بیژن را از چاه بیرون کشد. هفت سوار از اسبان خود فرود آمدند تا به یاری یکدیگر سنگ را برگیرند و هرچه بیشتر کوشیدند، کمتر توانستند آن را اندکی به کناری کشند. خوی بر چهره‌شان بنشست و نومیدانه به رستم نگریستند. رستم از رخش فرود آمده، زره دامن خویش را بر کمر زد و از یزدان جان‌آفرین یاری خواست و دو دست در زیر آن سنگ افکند و با یک حرکت آن را برداشته، در بیشه چین بیفکند؛ آن‌چنان که توران زمین بلرزید. آن‌گاه از فراز چاه از بیژن بپرسید چه گونه است و چه گونه توانسته این روزگار بد را به سر کند و پاسخ شنید هم‌چنان که می‌بینی، در زیر پایم آب روان است و بر فراز سرم سنگ ایستاده و از این‌همه رنج و اندوه دل از زندگی بریده، مرگ را آرزو می‌کردم. رستم در پاسخش گفت: «آن جهان‌بان، تو را نیز جان دگرباره بخشید و تنها آرزویی که دارم، آن است که گرگین را ببخشایی و کینه دل از او بگردانی». و بیژن پاسخ گفت: «آخر چه‌گونه آن ناپاکزاد مرد را ببخشایم که مرا در چنین رنجی افکند، مگر نمی‌دانی گرگین میلاد با من چه کرده است. بر آنم چون به او دست یابم، زنده به جای نگذارمش». رستم گفت: «اگر بدخویی کنی و گفتار من نشنوی در این چاه، همچنان تو را به زنجیر کشیده رها کنم و پای در رکاب رخش گذاشته، بازگردم». بیژن چون این سخن بشنید، پاسخ گفت: «تنها با کشتن گرگین بود که این جان به آرامش می‌رسید، اما هرآنچه تو آرزو کنی، همان کنم».

کنون ای خردمند آزاده‌خوی/ مرا هست با تو یکی آرزوی/ به من بخش گرگین میلاد را/ ز دل دور کن کین و بیداد را /بدو گفت بیژن که ای یار من/ ندانی که چون بود پیکار من/ گر افتد برو بر جهان‌بین من/ بر او رستخیز آید از کین من/ بدو گفت رستم که گر بدخوی/ بیاری و گفتار من نشنوی/بمانم تو را بسته در چاه پای/ به رخش اندر آرم شوم بازجای.

ادامه از صفحه اول

خط بطلان

جالب آنکه این‌گونه اوراق آن‌قدر با حروف ریز نوشته شده که همه کس از خواندن آن صرف‌نظر می‌کند. به‌هرحال سیستم ابداعی «بانکداری اسلامی» برای فرار از «قرض‌الحسنه» به عقود اسلامی پناه برد و تبعات بعدی آن یعنی ایجاد بانک‌ها و صندوق‌های اعتباری خصوصی که بحران‌های مالی ایجاد کرد، از عوامل انباشت پول و تورم بوده است؛ به‌خصوص آنکه بانک‌ها به اندیشه درآمد فوری و تضمین‌شده و البته حسب درخواست روزافزون، به جای آنکه سرمایه‌ها را به کار تولید بیندازند، آنها را به فعالیت‌های بازرگانی اختصاص دادند که بخشی از آنها در حال حاضر قابل وصول نیست. البته قوانین بانکداری اسلامی در همان زمان زیر نظر اسلام‌شناسان تدوین شد و مرحوم آیت‌الله رضوانی ناظر بر تدوین این قانون بود. امروز هم اگر بخواهیم موضوع بانک‌ها را حل‌وفصل کنیم، باید با اندیشه روبه‌روشدن با پدیده‌ای که در گذشته در تاریخ اسلام وجود نداشته، روبه‌رو شویم؛ والا راه‌حل‌های مقطعی مانند ناظر شرعی گماردن بر بانک‌ها کارآمد نیست. اینکه رئیس کل بانک مرکزی می‌گوید می‌خواهیم ناظر شرعی در بانک‌ها بگذاریم، در واقع دمیدن سرنا از سر گشاد آن است. اولا مگر تا به حال که قانون بانکداری اسلامی مغایر با احکام اسلام نبوده است، به مورد اجرا گذاشته نمی‌شده و از آن انحراف بوده است؟ ثانیا ناظر شرعی می‌خواهد چه کار کند؟ آیا می‌خواهد قراردادها را با قانون تطبیق دهد یا آنکه حسب تشخیص خود برخی احکام مدنظر خود را جاری خواهد کرد و به قول معروف مشتریان سره از ناسره را تشخیص داده و به آنها که ناسره هستند اجازه سپرده‌گذاری یا اخذ تسهیلات نمی‌دهد و اینکه آیا امر نظارت منحصر به روابط مالی و پولی بانک با مشتریان است یا آنکه وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را با مشتریان به انجام می‌رساند؟ و آیا در شعب بانک‌ها مستقر می‌شوند یا آنکه فقط در ساختمان مرکزی و دفتری نزدیک دفتر ریاست بانک استقرار می‌یابند و همه کارها را در مرکز منوط به تأیید ناظر شرعی می‌نماید و به این ترتیب یک بوروکراسی سنگین حاکم می‌کنند؟ یا فقط یک ژست و دکور است و شاید اصلا حرفی است که به عمل نمی‌رسد! متأسفانه در کشور ما بدون آنکه ابعاد جملات و عبارات سنجیده شود، کلمات و جملاتی مبهم و نامفهوم به زبان جاری می‌شود که ابعاد اجرائی و تأثیر و تأثرات آن سنجیده نشده و این همواره به جامعه لطمه وارد کرده است. به‌هرحال از هر منظری که نگاه کنیم، باید بانک را به‌عنوان یک پدیده جدید بی‌سابقه در تاریخ اسلام بپذیریم یا آنکه اصلا روی کلمه بانک خط بطلان بکشیم.

برگ سبز خودرو برگ سبزخوردو سواری کوئیک.R
مدل ۱۴۰۰
به شماره پلاک ایران ۴۰ – ۶۶ق۸۳۶
شماره موتور : M۱۵۹۲۷۰۴۶۱
شماره شاسی: NAPX۲۱۲AAM۱۰۵۹۸۷۰
به نام **محسن آزاده** مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو برگ سبزخوردو سواری کوئیک.AT
مدل ۱۴۰۰
به شماره پلاک ایران ۴۰–۳۴ق۷۳۳
شماره موتور : M۱۵۹۳۹۱۷۰۲
شماره شاسی:NAS۸۴۱۲۰۰M۳۳۷۹۵۳۵
به نام **محسن آزاده** مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی تغییرات شرکت زمین و کربن اقلیم (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۵۷۶۱۰۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۹۹۴۷۹۹۰
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی
مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۰۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
خانم **الهام شرقی صدر آبادی** به شماره ملی ۰۰۶۵۷۶۲۶۸۱
به عنوان بازرس اصلی و آقای **شهرام یوسفی** به شماره
ملی ۱۸۱۶۷۴۱۰۴۳ به عنوان بازرس علی البدل
برای یکسال مالی انتخاب گردیدند.
روزنامه کثیرالانتشار شرق جهت درج آگهی های شرکت
انتخاب شد.
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران

برگ سبز و فاکتور فروش (برگ کمپانی) **خودرو پژو ROA** رنگ نقره ای متالیک مدل ۱۳۸۵ به شماره پلاک ایران ۴۲ _ ۹۳۵ م ۴۳ و شماره موتور ۱۱۶۸۵۰۴۵۹۲۱ و شماره شاسی ۶۱۳۰۷۹۰۸ به نام **نعمت اله حسین زاده** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

کارت خودرو سواری پژو ۲۰۶ رنگ نقره ای متالیک
مدل ۱۳۹۴ به نام **عرفان کاشیان**
شماره موتور: ۱۶۳B۰۱۲۴۲۱۳
به شماره شاسی: NAAP۱۳FE۶EJ۵۰۸۷۴۳
و شماره پلاک: ۴۹ ط ۴۵۸ ایران ۱۰ مفقود شده و
از درجه اعتبار ساقط میباشد.